

حسن طالبیان شریف؛

سیری در حیات علمی و مرجعیت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی

اختصاصی شبکه اجتهاد: آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی رحمه الله علیه از فقهای برجسته و بسیار با عظمت شیعه است که سالها ریاست مرجعیت شیعه و زعامت حوزه علمیه نجف را برعهده داشت و مرجعیت جهانی یافت. وی در اصفهان متولد شد. به‌خاطر استعداد و جدیت در تحصیل و قوت در حافظه و درک اساتید بزرگ، تحصیلات حوزوی خود را با موفقیت به اتمام رساند. ایشان سالها در اصفهان و نجف نزد اساتید برجسته فقه و اصول، به تحصیل پرداخت تا به مدارج عالیّه اجتهاد و فقاہت نائل آمد.

آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی از شاگردان برجسته و کم نظیر آخوند خراسانی صاحب کفایه الاصول بود و ۱۷ سال نزد وی تلمذ و شاگردی کرد. برخی بزرگان مانند آیت‌الله علامه سید حسن صدر ایشان را، برترین شاگرد آخوند خراسانی معرفی کرده‌اند. آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، در زمان آخوند خراسانی، به تدریس سطوح عالیّه اشتغال ورزید که از جمله شاگردان شاخص ایشان در آن زمان مرحوم آیت‌الله میرزا احمد کفایی (فرزند آخوند خراسانی) بود که بعدها زعیم حوزه علمیه مشهد گردید. پس از رحلت آخوند خراسانی، سید، تدریس خارج خویش را آغاز کرد. پس از رحلت آخوند خراسانی، عده‌ای از مردم خراسان برای تقلید به ایشان مراجعه کرده و از ایشان خواستند رساله عملیه خویش را منتشر نماید. آیت‌الله میرزا محمد تقی شیرازی، در زمان اوج مرجعیت خویش، احتیاطات و جوبی خویش را به آقا سید ابوالحسن اصفهانی ارجاع می‌داد و به این ترتیب، آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی بیشتر مورد توجه حوزه‌های علمیه و مردم قرار گرفت. این امر ادامه داشت تا چند سال بعد، پس از فوت میرزای نایینی و شیخ عبدالکریم حائری یزدی در سال ۱۳۵۵ هـ ق معادل ۱۳۱۵ هـ ش، مرجعیت ایشان توسعه یافت و تقریباً ۱۰ سال، مرجعیت جهانی تشیع، در دست با کفایت ایشان بود. این فقیه بزرگوار از هنگام اقامت در نجف، بیش از نیم قرن در حوزه علمیه نجف، به تدریس فقه و اصول و تربیت طلاب و فضلا اشتغال داشت. شاگردان و فضلاء زیادی از محضر درس ایشان به مقام اجتهاد و استادی رسیدند که هر یک در حوزه‌های علمیه شیعه مشار بالبنان و شاخص گردیدند. حجت‌الاسلام والمسلمین سید ناصر حسینی میبیدی در کتابی اختصاصی راجع به زندگی نامه آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی که نام آن را "سراج المعانی در احوالات امام سید ابوالحسن اصفهانی" گذاشته است، نام حدود ۲۷۰ نفر از این شاگردان فاضل را با مختصری از زندگی نامه ایشان ارایه داده است. حجت‌الاسلام والمسلمین سید جعفر موسوی اصفهانی، نوه آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی از اساتید سطوح عالیّه حوزه علمیه مشهد نیز کتابی اختصاصی در شرح احوال جد خویش نگاشته به نام "حیات جاودانی" این بزرگوار نیز نام ۱۳ نفر از شاگردان شاخص و برجسته ایشان را با مختصری از زندگی نامه ایشان ذکر نموده است. حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ مهدی باقری سیانی نیز از محققین و پژوهشگران حوزه علمیه اصفهان کتابی اختصاصی راجع به آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی نوشته به نام "اجازات آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی" که منتشر شده است. در کتاب، ۶۹ نفر از فضلاء شاگردان و علمایی که از ایشان به دریافت اجازه اجتهاد مکتوب نائل آمدند، بیان نموده است. همچنین نام برخی از کسانی که از این بزرگوار به اجازه امورحسبیه و نقل حدیث موفق گشته اند، گرد آوری نموده است. در اینجا به نام برخی از شاگردان فاضل و شاخص و مشهور آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی اشاره می‌نمایم: حضرات آیات: شیخ آقا بزرگ اشرفی شاهرودی، میرزا حسین فقیه سبزواری، میرزا حسن سیادتی سبزواری، سید عبدالاعلی سبزواری، سید مرتضی مرتضوی لنگرودی، میرزا احمد کفایی خراسانی، میرزا حسن بجنوردی، شیخ محمد تقی آملی، شیخ محمد تقی بهجت، میرزا علی علیاری تبریزی، شیخ علی خوزانی اصفهانی (مشکوه)، شیخ موسی خوانساری، سید عبدالله شیرازی، شیخ محمد رضا طبسی نجفی، شیخ مجتبی قزوینی، میرزا کاظم تبریزی، شیخ علی محدث خراسانی، شیخ عباسعلی اسلامی، میرزا احمد آشتیانی، میرزا مهدی آشتیانی، سید صدرالدین صدر، شیخ محمد حسین نجفی کلباسی، شیخ محمد کوهستانی، شیخ غلامحسین جعفری همدانی، سید علی موسوی اصفهانی، ... برخی از فضلا و شاگردان شاخص ایشان بودند که اکثر ایشان در زمان سید و پس

از رحلت ایشان، کرسی تدریس را در حوزه‌های علمیه شیعه مانند نجف، مشهد، سبزوار، قم، اصفهان و... در دست گرفتند و به تدریس سطوح و خارج فقه و اصول اشتغال ورزیدند. تقریرات درس سید توسط شاگردان نوشته می‌شد و منتشر گردید. بزرگانی مانند حضرات آیات سید حسن سیادت سبزواری، میرزا حسین فقیه سبزواری، شیخ محمد تقی آملی، شیخ غلامحسین جعفری همدانی، شیخ علی خوزانی اصفهانی (مشکوه) و... برخی از فضلاء شاگردان ایشان بودند که تقریرات درس ایشان را نوشته و برخی نیز این تقریرات را منتشر نمودند.

آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی علاوه بر تدریس و تربیت مجتهدان و فقها، به گسترش شعایر مذهبی نیز اهتمام می‌نمود. خود در حرم مطهر امیرالمومنین علی علیه‌السلام، نماز جماعت، اقامه می‌نمود و جمعیت زیادی از طلاب و فضلا و علما پشت سر ایشان نماز می‌خواندند. به مناسبت ایام مذهبی، مجلس منعقد می‌نمود و وعاظ و خطبای برجسته شیعه در حضور ایشان و طلاب و فضلا و اساتید و علمای نجف منبر می‌رفتند و به نشر معارف قرآن و عترت می‌پرداختند. از جمله این خطبا و وعاظ، خطبا و وعاظ خراسان بودند که از بهترین خطبای برجسته شیعه در آن زمان بودند که به دعوت ایشان در آنجا منبر می‌رفتند. از جمله این خطبا و وعاظ برجسته خراسان می‌توان به حضرات آیات و حجج اسلام آقایان حاج شیخ مهدی واعظ خراسانی، حاج شیخ محمود حلبی، حاج شیخ عباسعلی محقق خراسانی، حاج شیخ حسین وحید خراسانی و... اشاره نمود.

آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، از جهات علمی، هم از جهات اخلاقی و معنوی و هم از جهات درایت و مدیریت و تدبیر و... خلاصه از هر جهت، شایستگی مرجعیت و ریاست جهانی شیعه را دارا بود. او اقتدار ویژه‌ای داشت. سعه صدر، صبر، حلم، سخاوت، تواضع، مهربانی، اخلاص، اخلاق، شجاعت، درایت و تدبیر، فقاقت فوق العاده و دقت نظر، اخلاق اجتماعی ایشان، آن بزرگوار را محبوب قلوب همگان نموده بود. او پدر مهربانی برای طلاب و حوزه‌های علمیه بود. در ۱۰ سال آخر عمر مبارکش، وجوهات شرعی از سراسر جهان، برایش ارسال می‌شد. مبلغین را به نقاط مختلف بلاد شیعه اعزام می‌نمود و به امور دینی بلاد مختلف شیعه در جهان رسیدگی می‌کرد. به طلاب حوزه‌های علمیه شیعه، شهریه می‌داد.

آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، در فقاقت، معنویت، مکارم اخلاق از نوادر روزگار عصر خویش بود. او از قاتل فرزند دل‌بندش که از فضلاء کم نظیر حوزه علمیه و بازوی راست ایشان در بیت و مرجعیت بود، گذشت و حتی در جهت آزادی او از زندان اقدام نمود. از فیض تشرف خدمت امام زمان علیه السلام، مکرر برخوردار بود که داستان آنها معروف و مشهور است. وی از ابتدای طلبگی تا انتهای مرجعیت، توجه و ارادت خاص به امام زمان علیه السلام داشت و متقابلا مورد لطف و عنایت خاص ایشان قرار داشت.

پیام امام زمان علیه السلام به ایشان معروف است که: "ارخص نفسک و اجلس فی دهلیز بیتک و اقص حوائج الناس نحن نضرک: خودت را ارزان کن و در دسترس مردم باش و حوائج و نیازهای مردم را برآورده کن، ما شما را کمک و یاری می‌نماییم." (ر.ک: سراج المعانی، حیات جاودانی، گنجینه دانشمندان جلد ۱، ۲، ۳).

مرجعیت مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، مقارن شد با حکومت رضاخان که در صدد تخریب و تضعیف حوزه‌های علمیه شیعه و علمای شیعه بود و با مظاهر دینی و شعایر دینی اسلام و مذهب تشیع مخالفت می‌نمود. در این موقعیت حساس، این بزرگوار با مدیریت و تاکتیکی زیبا و مدبرانه، نقشه‌های شوم رضا خان را نقش بر آب می‌کرد. همچنین کمونیستها و توده ایها در فکر تخریب دین و ضربه زدن به جان و مال و ناموس مسلمین بودند و در فکر تصاحب حکومت ایران بودند و آذربایجان را به تصرف خود درآورده بودند و خودمختاری و... اعلام کرده بودند که مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی در زمان حیاتش، در فکر خنثی کردن توطئه آنها بود و با آنها نیز مبارزه می‌کرد. پس از رحلت این مرجع بزرگ، توده‌ای‌ها در فکر حمله به مردم بودند که مقارن شد با فوت این مرجع عالیقدر جهان تشیع؛ شدت علاقه مردم به آقا سید ابوالحسن اصفهانی باعث شد، طوفان احساسات مذهبی مردم ایران در فقدان ایشان، شعله ور گردد و بساط توده‌ای‌ها در آذربایجان و... برچیده شود.

آری حیات و ممات سید، برای جهان اسلام برکت بود. برکات وجودی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی را نمی‌توان با چند مقاله و کتاب مختص توصیف کرد و مناسب است کتابهای مفصل و مبسوط در این جهات، نوشته و منتشر گردد و کنگره‌های جهانی برگزار گردد و مستند زندگی نامه ایشان به نمایش در

آورده شود و همچنانکه مرجعیت ایشان جهانی بود، معرفی ایشان نیز جهانی گردد تا جهان بشریت با مفاخر دین اسلام و مذهب شیعه بیشتر آشنا گردد.

تولد: این عالم ربانی در سال ۱۲۸۴ هـ ق در روستای مدیسه شهر لنجان اصفهان متولد شد

خاندان علمی: اجداد آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، از سادات موسوی بهبهان بوده اند. جد آیت‌الله سید عبدالحمید اصفهانی، از بهبهان برای تحصیلات عالی حوزوی به نجف رفت. آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی برای شیخ آقا بزرگ طهرانی صاحب کتاب الذریعه و سید محسن امین صاحب کتاب اعیان الشیعه توضیح داده است که جدش آیت‌الله سید عبدالحمید اصفهانی از علما بوده و از شاگردان صاحب جواهر و شیخ موسی کاشف الغطا بوده است. تقریرات درس آیت‌الله شیخ موسی کاسف الغطا را نوشته که نزد آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی بوده است. از تالیفات دیگر ایشان نیز کتاب فقهی استدلالی است که شرحی بر بحث فرایض (ارث) شرایع الاسلام محقق حلی نوشته است، آیت‌الله سید عبدالحمید اصفهانی پس از بازگشت از نجف، به اصفهان آمد و در آنجا اقامت نمود. نویسنده کتاب حیات جاودانی (نوه آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی) حجت‌الاسلام والمسلمین سید جعفر موسوی اصفهانی مدعی است: ایشان در حجره‌ای در ۲ کیلومتری روستای سورک دفن شده است. این روستا در ۲۰ کیلومتری شهرستان بروجن (واقع در استان چهار محال بختیاری) است. بنابراین اینکه برخی مدعی هستند، مقبره آیت‌الله سید عبدالحمید اصفهانی در اصفهان است، نادرست است. "آقا سید محمد" پدر آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی با اینکه شخص مومنی بوده است ولی از علما نبوده و کشاورزی می‌کرده است. وی به هنگام اقامت پدر برای تحصیلات حوزوی در عتبات عالیات، در کربلا متولد شد و بعدها به همراه پدر به اصفهان آمد و در روستای مدیسه از توابع بلوک لنجان اصفهان آمد و در همین روستا نیز آقا سید ابوالحسن اصفهانی متولد شد.

برادران: مرجع عالیقدر آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، ۴ برادر داشت به نام سید حسین، سید اسدالله، سید محمد تقی و سید عبدالحمید

در میان برادران ایشان، کسی طلبه و روحانی نبوده است

تحصیلات حوزوی: آقا سید ابوالحسن، پس از خواندن درسهای مکتب، نوجوانی بود که تصمیم گرفت طلبه شود و مانند پدر بزرگش، عالم شود.

تحصیلات حوزوی اصفهان: ایشان ابتدا برخی دروس مقدماتی را در روستای مدیسه فرا گرفت، پس از مدتی، در سن ۱۴ سالگی به اصفهان رفت و در مدرسه علمیه صدر سکونت یافت. و دروس حوزه را با جدیت آغاز نمود. در آن زمان اساتید برجسته‌ای در ادبیات عرب، فقه، اصول، فلسفه، عرفان و... حضور داشتند. آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی پس از تکمیل ادبیات عرب، سطوح فقه و اصول را نیز فرا گرفت آنگاه مدتی نیز در درس خارج اساتید برجسته اصفهان شرکت نمود. اساتید اصفهان ایشان عبارتند از حضرات آیات و حجج اسلام آقایان: سید محمد مهدی نحوی، میرزا یحیی مدرس بیدآبادی، محمد صادق کتابفروش، میرزا ابوالمعالی کلباسی، میرزا محمد هاشم چهار سوقی، سید محمد باقر درچه ای، آخوند ملا محمد کاشی، میرزا جهانگیرخان و شیخ محمد باقر قزوینی. آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، هیات و نجوم را نزد استاد شیخ محمد باقر قزوینی آموخت. طلاب و فضلاء اصفهان در آن زمان، علاوه بر فقه و اصول، معمولاً به تحصیل فلسفه و عرفان نیز مشغول می‌شدند و اساتید شاخص و معروف فلسفه و اصفهان آن زمان مرحوم آخوند ملا محمد کاشی و میرزا جهانگیر خان قشقایی بودند، با توجه به آنکه آخوند ملا محمد کاشانی و میرزا جهانگیر خان قشقایی را از اساتید اصفهان ایشان ذکر کرده اند، به نظر می‌رسد که آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی در مباحث فلسفه و عرفان از این دو استاد برجسته فلسفه بهره گرفته و با مبانی فلسفی و عرفانی آشنا شده باشد. البته این دو بزرگوار به تدریس فقه و اصول نیز اشتغال داشته اند و بعید نیست که هم در درس فقه و اصول و هم درس فلسفه و... از ایشان بهره برده باشد. استاد منوچهر صدوقی سها نیز در کتاب تاریخ حکما و عرفای متاخر، در ذیل شاگردان آخوند ملا محمد کاشانی و میرزا جهانگیر خان قشقایی، نام آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی را به عنوان "الحجه" آورده است. اساتید برجسته و شاخص فقه و اصول آن زمان اصفهان، آیت‌الله سید محمد باقر درچه ای، میرزا ابوالمعالی کلباسی، میرزا محمد هاشم چهار سوقی و... بوده اند که از اساتید ایشان در اصفهان ذکر شده اند که ظاهراً مرحوم سید، سطوح عالی و خارج فقه و اصول را نزد ایشان فرا گرفته باشد.

فقیه، اصولی، رجالی و از علمای برجسته اصفهان بود. آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، مدتی درس خارج را نزد ایشان فرا گرفت. از فقهای اصفهان بود و برادر آیت‌الله سید محمد باقر خوانساری صاحب روضات الجنات

تدریس در اصفهان: آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، ضمن تحصیل به تدریس سطح فقه و اصول نیز اشتغال می‌ورزد. ایشان در پشت کتاب جدش آیت‌الله سید عبدالحمید اصفهانی اجمالا به تحصیلات اصفهان خود اشاره می‌کند و می‌نویسد: "در اصفهان پس از خواندن سطوح و مقداری خارج در سال ۱۳۰۸ هـ ق به نجف رفتم". در این نوشته در میان اساتید اصفهان خود به نام آخوند ملا محمد کاشانی تصریح می‌کند که گویا حکایت از آن دارد که استفاده علمی زیادی از ایشان در اصفهان برده است.

اقامت در نجف و تحصیل: آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آنچنانکه خود تصریح کرده است، به تاریخ ۱۳ ربیع الاول ۱۳۰۸ هـ ق از اصفهان به طرف نجف حرکت نموده و در تاریخ ۱۱ جمادی الاول ۱۳۰۸ هـ ق به نجف وارد می‌شود. ایشان در مدرسه علمیه صدر نجف، مستقر می‌گردد.

ایشان در حوزه علمیه نجف تحصیلات خود را نزد فقهای برجسته ادامه داد. آقا سید ابوالحسن اصفهانی، هر چند نتوانست از درس خارج شیخ انصاری بهره بگیرد چون در آن زمان فوت کرده بود ولی مدتی محضر شاگردان برجسته ایشان را درک کرد. از جمله آنها آیت‌الله میرزا حبیب‌الله رشتی است که به تصریح خود آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی تا زمان وفات ایشان از محضر او استفاده علمی کرده است. آیت‌الله میرزا حبیب‌الله رشتی از برترین شاگردان شیخ انصاری بود که پس از رحلت شیخ، به عنوان مجتهد اعلم و شاگرد شاخص ایشان به شمار می‌رفت. شاگردان شیخ انصاری به ایشان پیشنهاد مرجعیت دادند ولی وی نپذیرفت و مرجعیت را به آیت‌الله میرزای شیرازی ارجاع داد. آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی به مدت ۴ سال از درس خارج فقه میرزا حبیب‌الله رشتی بهره برد. پس از رحلت میرزای رشتی در سال ۱۳۱۲ هـ ق، در در...

آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، در درس خارج فقه و اصول آخوند خراسانی به مدت ۱۷ سال شرکت نمود تا زمانی که آخوند خراسانی در ماه ذی الحجه سال ۱۳۲۹ هـ ق وفات کرد. ۱۷ سال، برای شخص خوش استعداد و خوش حافظه و جدی در درس و بحث مدت زمان مناسب و به اندازه لازم و کافی است که او را به درجه اجتهاد برساند. اجتهاد آقا سید ابوالحسن اصفهانی نیز به تأیید آخوند رسیده بود و آخوند خراسانی، ایشان را از مجتهدین بزرگ عصر می‌دانست. در سال ۱۳۲۴ هـ ق که انقلاب مشروطیت در ایران به وقوع پیوست و مجلس مشروطه برقرار گردید، به تصویب رسید که هر زمان، تعدادی مجتهد عادل بر قوانین مجلس، نظارت کنند که قوانین مخالف شرع به تصویب نرسد، آخوند خراسانی که مرجع بزرگ تقلید شیعیان بود و از رهبران بزرگ مشروطه، در سال ۱۳۲۸ هـ ق، یک سال قبل از فوت خود، چند نفر مجتهد برجسته را برای این منظور به مجلس مشروطه، معرفی کرده بود، یکی از آنها، آقا سید ابوالحسن اصفهانی بود. هر چند آقا سید ابوالحسن اصفهانی از شرکت در مجلس، عذر خواست و شرکت نمود. به هر حال آقا سید ابوالحسن اصفهانی از شاگردان برجسته و کم نظیر آخوند خراسانی بود و به نظر می‌رسد در این مدت ۱۷ سال شاگردی نزد آخوند خراسانی، چند دوره اصول آخوند خراسانی را فرا گرفته باشد. یک دوره اصول مرحوم میرزا حبیب‌الله رشتی، حدود ۳۰ سال طول می‌کشید. خدمتی که آخوند خراسانی در پایان عمرش نمود، این بود که کتابی در اصول نوشت به نام "کفایه الاصول" که طلاب بتوانند از طریق آن، یک دوره اصول را در مدت زمان کوتاهی فرا بگیرند. آخوند خراسانی می‌فرمود: من زحمت طلاب را برای فراگیری یک دوره اصول که ۳۰ سال طول می‌کشید، کم کردم و به مدت ۳ سال رساندم. در مدت سه سال طلاب می‌توانند یک دوره اصول را فرا بگیرند. برخی طلاب نیز به شوخی، به استاد می‌گفتند: "فرمایش شما درست است ولی ۳۰ سال طول می‌کشد که کفایه الاصول شما را متوجه شویم". آخوند خراسانی که خود درس شیخ انصاری را درک کرده بود و با نظرات اصولی و فقهی وی آشنا بود و بر آن حاشیه زده بود، در درس خارج اصول خود، نظرات مختلف اصولیون از جمله شیخ انصاری را مطرح می‌کرد و جرح و تعدیل می‌نمود و نظرات اجتهادی خود را نیز بیان می‌نمود. در درس آخوند خراسانی، شاگردان زیادی شرکت می‌کردند که شاید قریب ۱۰۰۰ نفر می‌شدند. طبیعی است که در میان شاگردان شرکت کننده هر استادی، شاگردان از نظر هوش و استعداد و درک مطلب و جدیت در تحصیل، یکسان نیستند. در میان شاگردان آخوند خراسانی نیز اینگونه بودند. هر چند فضیلت زیادی شرکت می‌کردند و از درس آخوند خراسانی و دیگر اساتید به درجه اجتهاد رسیدند، اما در میان آنان نیز برخی برجسته تر و شاخصتر بودند. برخی از این فضیلت برجسته درس

آخوند خراسانی عبارت بودند از حضرات آیات: آقا سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ عبدالکریم حائری یزدی، میرزا حسین نایینی، آقا ضیا عراقی، حاج آقا حسین بروجردی، حاج آقا حسین قمی و ... و از جمله دو فرزند آخوند خراسانی به نامهای میرزا محمد و میرزا احمد که اجتهاد آنها توسط پدر تایید گردیده بود و چون آقا زاده آخوند خراسانی بودند؛ در میان علما نیز به نام میرزا محمد آقا زاده خراسانی و میرزا احمد آقازاده خراسانی معروف شدند. (البته میرزا احمد بیشتر به نام میرزا احمد کفایی خراسانی شهرت یافت). این شاگردان شاخص، در زمان آخوند خراسانی، مجتهد بودند و پس از رحلت آخوند خراسانی در میان حوزه‌های علمیه شیعه، از اساتید نامدار و برجسته و مشهور گردیدند و برخی نیز از مراجع تقلید بزرگ شیعه شدند مانند آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ عبدالکریم حائری، میرزای نایینی، حاج آقا حسین بروجردی و حاج آقا حسین قمی.

برترین شاگرد آخوند خراسانی: آیت‌الله علامه سید حسن صدر، برترین شاگرد آخوند خراسانی را، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی اعلام کرده است.

اساتید دیگر: از جمله اساتید دیگر آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، می‌توان به آیات عظام میرزا محمد تقی شیرازی و شریعت اصفهانی اشاره نمود. اوج اجتهاد و فقاہت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی در نزد آیت‌الله میرزا محمد تقی شیرازی آنچنان محرز بود که پس از آنکه به مرجعیت رسید، عملاً احتیاطات وجوبی خود را به ایشان ارجاع می‌داد.

استاد سید مصلح الدین مهدوی می‌نویسد:

آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی پس از رحلت آخوند خراسانی در درس آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی شرکت نمود.

حجت‌الاسلام والمسلمین سید ناصر حسینی میبیدی نیز در کتاب سراج المعانی مدعی است آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی در نجف به ترتیب ذیل از اساتید نجف استفاده نموده است: میرزا حبیب‌الله رشتی، آخوند خراسانی، سید کاظم یزدی، میرزا محمد تقی شیرازی، شریعت اصفهانی

برخی از کسانی که شرح حال زندگی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی را نوشته اند مدعی هستند ایشان از شاگردان دیگر شیخ انصاری حضرات آیات عظام: شیخ محمد حسن مامقانی، شیخ محمد شریبانی، سید حسین کوه کمره ای، میرزا حسن شیرازی نیز استفاده علمی کرده است.

اجازات اجتهاد: ایشان از آیات عظام: آخوند خراسانی، میرزا محمد تقی شیرازی، شریعت اصفهانی و سید حسن صدر کاظمینی اجازه اجتهاد داشته است. (ر.ک: اعلام اصفهان، جلد اول، صفحه ۲۶۲)

تدریس در نجف: با توجه به اینکه در بین طلاب، در آن زمان سنت متعارفی بود و الان نیز تا حدودی هست که طلبه‌های فاضل، درس را با یکدیگر مباحثه می‌کنند و درس فرا گرفته شده را به طلاب پایین تر از خود تدریس می‌نمایند، بنابراین طبیعی است که مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی در حوزه علمیه اصفهان، به تدریس سطوح فقه و اصول اشتغال داشته باشد که به آن اشاره شد. اما در حوزه علمیه نجف، قطعی است که ضمن تحصیل درس خارج، در ابتدا به تدریس سطوح اولیه مانند معالم و... پرداخت آنگاه سالها به تدریس سطوح عالی: مکاسب، رسائل و کفایه اشتغال داشته است. از جمله شاگردان سطوح عالی ایشان، آیت‌الله میرزا احمد کفایی فرزند آخوند خراسانی است که مکاسب شیخ انصاری را نزد ایشان فرا گرفته است. آیت‌الله بروجردی می‌فرموده اند: "شاگردان درس آخوند خراسانی، بعد از درس ایشان، درس را برای شاگردان دیگر تقریر می‌کردند تا درس بهتر فهمیده شود" قطعاً آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی نیز از جمله این فضلا و در صدر ایشان بوده است. اما اینکه ایشان تدریس خارج مستقلاً در زمان آخوند خراسانی داشته باشد، تاکنون برایم ثابت نشده است. به نظر می‌رسد به احترام استاد بزرگویش آخوند خراسانی، به تدریس سطوح عالی اکتفا می‌نموده است. اما در مورد میرزای نایینی، اسنادی وجود دارد که همزمان با آخوند خراسانی؛ تدریس خارج مستقل داشته و فضیلت زیادی از شاگردان درس آخوند در درس ایشان نیز در نجف شرکت می‌کردند. برخی مدعی هستند، میرزای نایینی، شاگرد آخوند خراسانی نبوده است و در جلسه استفتای ایشان شرکت می‌کرده و مشاور ایشان بوده است و در جلسات عمومی درس ایشان شرکت نمی‌کرده است. و البته میرزای نایینی، به کفایه الاصول آخوند خراسانی نیز اشکال داشته و اشکالات ایشان را بر شیخ انصاری وارد نمی‌دانسته است. میرزای نایینی پس از رحلت آخوند خراسانی، به مرجعیت شیعه رسید.

تدریس خارج: پس از رحلت آخوند خراسانی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی تدریس خارج خود را آغاز نمود و تا پایان عمر نیز تدریس خارج را ادامه داد. فضیلت زیادی در درس ایشان شرکت می‌کردند و به درجه اجتهاد رسیدند. آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، هم در اصول و هم در فقه تبحر زیادی داشت خصوص در فقه و در این جهت معروف بود. این فقیه بزرگوار، معتقد بود که باید ذوق شارع را به دست آورد و زیاد اصول خواندن ملایمی نمی‌آورد و فلسفه را نیز در فقه دخالت نمی‌داد. ایشان معتقد بود دقت‌های زیادی عقلی و فلسفی باعث دور شدن از فقه و فهم روایات فقهی می‌شود و لذا کسانی که در فقه، دقت‌های زیادی عقلی و فلسفی می‌کردند، فهم آنها را در فقه قبول نداشته و در اجتهاد و فقاقت آنها تردید داشته است. از فقیه بزرگوار و مرجع عالیقدر آیت‌الله سید موسی شبیری زنجانی دامت برکاته شنیدم که آقا سید علی خلخالی به مناسبتی خدمت آقا سید ابوالحسن اصفهانی رسیده بود و از ایشان در خواست نمود که حکم فقهی (قضاوت شرعی) یکی از بزرگان آن عصر را که به عنوان حاکم شرع، حکم نموده بود، تایید کند. (آیت‌الله شبیری زنجانی دامت برکاته نام آن بزرگوار را بیان نمودند که بنده نام نمی‌برم). آقا سید ابوالحسن اصفهانی، حکم ایشان را تایید نکرده بود و در اجتهاد ایشان تردید کرده بود. فرموده بود: ایشان فلسفه را دخالت می‌دهد در فقه و از فهم شارع دور می‌شود. دقت‌های زیاد عقلی و فلسفی از فقه انسان را دور می‌کند.

ایشان تا سال ۱۳۴۹ هـ ق هر روز خارج فقه و خارج اصول تدریس می‌کرد. اما پس از آنکه در سال ۱۳۴۹ هـ ق فرزندش "سید حسن" به شهادت رسید، تدریس خارج اصول را ترک نمود و پس از آن، فقط به تدریس خارج فقه اکتفا نمود.

شیوه تدریس: ایشان، در تدریس خوش بیان بود و درس را روان و شیوا و ساده تدریس می‌کرد بدون پیچیدگی و مغلق گویی و ...، در فقه و اصول مسلط بود و تبحر داشت خصوص در فقه.

محل تدریس: مرحوم سید، در مسجد عمران حرم مطهر امیرالمومنین علی علیه السلام و مسجد هندی تدریس می‌کرد

ابواب فقهی تدریس شده: ایشان حدود ۳۵ سال تدریس خارج فقه داشته است و در این مدت ابواب مختلف فقهی را به صورت استدلالی تدریس نموده است از جمله طهارت، صلوه، زکاه، مکاسب، حج و ...

شاگردان: در مدت تدریس آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی در نجف، شاگردان زیادی از محضر علمی ایشان استفاده کردند. البته مدت شاگردی و کیفیت آن نیز مختلف بوده است. و نیاز به تتبع و تحقیق بیشتری دارد. ممکن است برخی از شاگردان سطوح عالی باشند مانند آیت‌الله میرزا احمد کفایی خراسانی. برخی شاگردان درس خارج ایشان باشند. در میان شاگردان درس خارج نیز برخی فقط در درس خارج فقه ایشان شرکت کرده باشند. برخی در درس خارج اصول ایشان شرکت کرده باشند. برخی در هر دو درس ایشان شرکت کرده باشند. از نظر مدت زمان شاگردی نیز مختلف هستند. برخی کمتر، برخی بیشتر. کیفیت شاگردی و هوش و استعداد شاگردان نیز مانند هر درسی مختلف است. هر چند عمده شاگردان آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی که در زمان معاص ما زندگی می‌کردند، از شاگردان درس خارج ایشان هستند. متأسفانه در نوشتن زندگی نامه علما و شاگردان ایشان، این نکات لحاظ نمی‌گردد و لذا شناسایی طبقات علمی شاگردان مشخص نمی‌گردد. اگر تفکیکی در این جهات انجام گیرد، از نظر شناسایی اعتبار علمی و قوت شخصیت‌های علمی افراد می‌تواند کمک خوبی باشد. امیدوارم محققین ارجمند که زندگی نامه علمی بزرگان و شاگردانشان را از این به بعد می‌نویسند، به این نکات دقت بیشتری بفرمایند. در کتاب سراج المعانی حدود ۲۷۰ نفر از شاگردان فاضل آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی را معرفی کرده است. علاقه مندان می‌توانند به این کتاب مراجعه کنند. در کتاب حیات جاودانی نیز نام ۱۳ نفر از شاگردان شاخص ایشان را بیان نموده است. در کتاب اجازات آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی، نام ۶۹ نفر از کسانی که از ایشان اجازه اجتهاد گرفته اند اشاره و متن اجازات اجتهاد ایشان را نیز ذکر می‌کند. در اینجا به نام برخی از شاگردان مشهور آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی در نجف اکتفا می‌نمایم: حضرات آیات:

میرزا حسن سیادت‌ی سبزواری، میرزا حسین فقیه سبزواری، سید عبدالاعلی سبزواری، شیخ عباسعلی اسلامی سبزواری، شیخ آقا بزرگ اشرفی شاهرودی، شیخ محمد تقی آملی، شیخ محمد تقی بهجت، سید عبدالله شیرازی، میرزا احمد آشتیانی، میرزا مهدی آشتیانی، شیخ محمد رضا طبسی نجفی،

سید محمد حسن میر جهانی، شیخ علی خوزانی اصفهانی (مشکوه)، شیخ غلامحسین جعفری همدانی، سید مرتضی مرتضوی لنگرودی، شیخ مجتبی قزوینی، سید علی موسوی اصفهانی (آقا زاده آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی)، شیخ علی محدث خراسانی، شیخ محمد حسین پایین خیابانی (برادر کوچکتر شیخ علی محدث خراسانی)، سید ابوالقاسم صفوی اصفهانی، میرزا کاظم تبریزی، سید میر سجادی بادکوبه‌ای (داماد ایشان)، سید حسین بروجنی اصفهانی (داماد ایشان)، سید محمد بروجنی اصفهانی (نوه دختری ایشان)، شیخ محمد حسین نجفی کلباسی، شیخ علی غروی علیاری، میرزا حسن بجنوردی، شیخ محمد کوهستانی، سید محمود امام جمعه زنجان، شیخ صدرا بادکوبه ای، میرزا یوسف ایروانی، شیخ راضی تبریزی، میرزا فتاح شهیدی، شیخ محمد رضا جرقویه ای، شیخ یوسف ایروانی، سید آقا خلخال، میرزا کاظم دینوری ... و شاید صدها نفر دیگر از فضلاء حوزه علمیه در بلاد مختلف شیعه که مجتهد، مدرس حوزه، محقق، مولف و... بوده اند.

تقریرات درس: در درس خارج فقه و اصول آیت الله سید ابوالحسن اصفهان، طلاب و فضلاء زیادی شرکت می‌کردند که تقریرات درس ایشان را می‌نوشتند. برخی از فضلاء درس ایشان که به درجه اجتهاد رسیدند و تقریرات درس خارج ایشان را نیز نوشته اند عبارتند از حضرات آیات:

آیت الله سید حسن سیادتی:

وسيله الوصول الی حقایق الاصول" تقریرات خارج اصول آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی است که توسط ایشان نوشته شده و به چاپ رسیده است. همچنین بخشی از تقریرات درس خارج فقه آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی در بحث صلوه "خلل صلوه" نیز توسط ایشان نوشته شده است

آیت الله شیخ محمد حسین نجفی کلباسی:

تقریرات درس خارج اصول ایشان را نوشته که توسط دفتر تبلیغات اسلامی به عنوان جلد دوم "وسيله الاصول" به چاپ رسید

آیت الله شیخ محمد تقی آملی:

تقریرات خارج اصول ایشان را نوشته که به نام "منتهی الاصول" به چاپ رسیده است.

آیت الله شیخ علی غروی علیاری:

در درسهای خارج فقه و اصول سید شرکت کرده و تقریرات درس ایشان را نوشته است. مقداری از خارج اصول را نوشته است. و تقریرات خارج فقه ایشان نیز بحثهای طهارت، صلوه می‌باشد.

آیت الله شیخ علی خوزانی اصفهانی معروف به مشکاه:

حدود ۲۰ سال درس خارج فقه ایشان شرکت نموده و تقریراتی نیز دارد.

آیت الله شیخ غلامحسین جعفری همدانی:

حدود ۲۰ سال درس خارج سید شرکت نموده و تقریراتی نیز از درس خارج ایشان نوشته است

آیت الله میرزا حسین فقیه سبزواری:

ایشان نیز علاوه بر کسب اجازه اجتهاد از آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، تقریرات درس ایشان را نوشته است.

موقعیت برجسته علمی و فقاقت عالی ایشان: آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی از شاگردان برجسته و کم نظیر آخوند خراسانی و مورد عنایت ایشان بود. علامه سید حسن صدر، آقا سید ابوالحسن اصفهانی را برترین شاگرد علمی آخوند خراسانی می‌دانست. آقا سید ابوالحسن اصفهانی هم در اصول و هم در فقه مهارت داشت بالاخص در فقه. برخی شاگردان مشترک آقا سید ابوالحسن اصفهانی و میرزای نایینی مانند آیت الله شیخ محمد تقی آملی، فقه آقا سید ابوالحسن اصفهانی را بر فقه میرزای نایینی ترجیح می‌دادند. برخی شاگردان میرزای نایینی در زمانی که میرزای نایینی زنده بود، از شخصیت علمی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی غفلت داشتند لذا در درس ایشان شرکت نکرده بودند ولی بعد از

فوت میرزای نایینی، به عظمت علمی ایشان پی بردند و به اشتباه خود پی بردند. آیت‌الله شیخ محمد رضا جرقویه اصفهانی از شاگردان آقا سید ابوالحسن اصفهانی فرموده بود: من تمام فقهای نجف، قم و اصفهان را دیده‌ام، هیچکدام در فقه مانند آقا سید ابوالحسن اصفهانی نمی‌رسند. یکی از فقهای زمان آقا سید ابوالحسن اصفهانی فرموده بود: فقه دریایی است که به عمق آن نمی‌رسد مگر شخص اوحدی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی، همان شخص اوحدی است. از یکی از اساتید خارج مشهد به نام آیت‌الله سید حسن حسینی نژاد دامت برکاته شنیدم: "پس از فوت میرزای نایینی، زعامت و مرجعیت آقا سید ابوالحسن اصفهانی به اوج خود رسید. برخی از شاگردان میرزای نایینی که در نجف حاضر بودند، به محضر آقا سید ابوالحسن اصفهانی می‌رسیدند ولی آقا سید ابوالحسن اصفهانی آنها را در فقه چندان قوی نمی‌دید و تنها کسی که از موجودین از شاگردان میرزای نایینی موجود در نجف آن روز، توانست از شاگردان میرزای نایینی آبرو داری کند آقا شیخ موسی خوانساری بود که در فقه تبحر زیادی داشت. ایشان از اصحاب خاص و عضو هیات استفتای آقا سید ابوالحسن اصفهانی گردید و ملازم ایشان که مورد لطف و عنایت خاص ایشان قرار داشت." مرحوم استاد محمد واعظ زاده خراسانی می‌فرمودند: من به همراه پدرم به نجف رفتم و چند سال در آنجا اقامت داشتیم و من در آنجا تحصیل می‌کردم. پدرم آقا شیخ مهدی واعظ خراسانی به دعوت آقا سید ابوالحسن اصفهانی آنجا منبر می‌رفت و مورد عنایت ایشان بود. پدرم خیلی از نظر علمی و معنوی به ایشان اعتقاد داشت و ایشان را شایسته مرجعیت می‌دانست و در میان علمای آن روز، می‌گفت: مردم باید از ایشان تقلید کنند. پدرم در جلسات خصوصی با آقا سید ابوالحسن اصفهانی گفتگو می‌کرد و برخی اوقات نیز من نیز شرکت می‌کردم. امتیازات علمی و معنوی زیادی داشت از هوش و حافظه و کیاست و... که من تعجب می‌کردم. علمای زیادی در نجف دیدم از جمله آقا شیخ موسی خوانساری که از قدیمی‌ترین، برجسته‌ترین شاگردان میرزای نایینی بود که اگر می‌ماند، مرجعیت به دیگری نمی‌رسید. ایشان سال ۱۳۴۵ هـ.ق به مشهد آمد و حدود یک سال اقامت نمود. آقا میرزا مهدی اصفهانی، از شاگردان برجسته میرزای نایینی، به احترام ایشان درس خود را به ایشان واگذار کرد و شاگردها را به شرکت در درس ایشان تشویق نمود. آقا شیخ کاظم مهدوی دامغانی می‌گفت: "همان مبانی میرزای نایینی را می‌گویند اما نه به اندازه عمق و سعه آقا میرزا مهدی اصفهانی". آیت‌الله شیخ‌هاشم قزوینی، تقریرات درس خارج فقه آقا شیخ موسی خوانساری در بحث لباس مشکوک را نوشته که الان موجود است. در این مدت، آقا شیخ موسی خوانساری با فضیلتی شاگردان میرزا مهدی اصفهانی مانند حضرات آیات شیخ‌هاشم قزوینی، شیخ مجتبی قزوینی، شیخ کاظم مهدوی دامغانی و... به خوبی آشنا شد و به هنگامی که نیاز به اجازه اجتهاد و تدریس فقه و اصول از سوی آیات عظام میرزای نایینی و سید ابوالحسن اصفهانی داشتند، در معرفی ایشان به این دو بزرگوار ظاهر دخیل بوده و در گرفتن اجازات اجتهاد و تدریس فقه و اصول برای ایشان نیز ظاهر نقش داشته است که مکاتباتی در این مورد با آیت‌الله شیخ مجتبی قزوینی نیز داشته که موجود است.

در حدود سال ۱۳۴۷ هـ.ق رضا خان، پوشیدن لباس روحانیت را ممنوع اعلام کرد مگر کسانی که از مراجع تقلید بزرگ نجف و قم اجازه کتبی اجتهاد داشته باشند یا مدرس فقه و اصول باشند که صلاحیت تدریس ایشان توسط مراجع تقلید و مدرسان بزرگ فقه و اصول تأیید شود. لذا مجتهدین و مدرس فقه و اصول با توجه به نیازی که احساس کردند، از مراجع تقلید و مدرسان بزرگ نجف و قم درخواست اجازه اجتهاد و گواهی صلاحیت تدریس درخواست نمودند. (ر.ک: کتاب عنصر فضیلت و تقوا تألیف عباس حاجیانی دشتی). از جمله حضرات آیات شیخ‌هاشم قزوینی، شیخ مجتبی قزوینی، شیخ کاظم مهدوی دامغانی که از مجتهدین و مدرسین حوزه علمیه مشهد بودند. آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی برای آقا شیخ‌هاشم قزوینی بدون اینکه ایشان درخواست کند، اجتهاد فرستاد (گفتگوی اینجانب با دکتر جعفر جعفری لنگرودی). و اجازه اجتهاد ایشان را که توسط آیات میرزا محمد آقا زاده خراسانی و میرزا مهدی اصفهانی یا حاج آقا حسین قمی، بود، نیز تأیید و حاشیه زد. (ر.ک: فقیه آزادگان، کتاب احیاگر حوزه خراسان). اجازه اجتهاد و تدریس فقه و اصول و اجازه امور حسبه برای آقا شیخ مجتبی قزوینی در مشهد فرستاد که از شاگردان خود ایشان بود. (ر.ک: کتاب احیاگر حوزه خراسان صفحه ۸۲۹، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۶، ۸۳۷)

در حدود سال ۱۳۴۷ هـ.ق رضا خان، پوشیدن لباس روحانیت را ممنوع اعلام کرد مگر کسانی که از مراجع تقلید بزرگ نجف و قم اجازه کتبی اجتهاد داشته باشند یا مدرس فقه و اصول باشند که صلاحیت تدریس ایشان توسط مراجع تقلید و مدرسان بزرگ فقه و اصول تأیید شود. لذا مجتهدین و مدرس فقه و اصول با توجه به نیازی که احساس کردند، از مراجع تقلید و مدرسان بزرگ نجف و قم درخواست اجازه اجتهاد

و گواهی صلاحیت تدریس درخواست نمودند. (ر.ک: کتاب عنصر فضیلت و تقوا تالیف عباس حاجبانی دشتی). از جمله حضرات آیات شیخ‌هاشم قزوینی، شیخ مجتبی قزوینی، شیخ کاظم مهدوی دامغانی که از مجتهدین و مدرسین حوزه علمیه مشهد بودند. آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی برای آقا شیخ‌هاشم قزوینی بدون اینکه ایشان درخواست کند، اجتهاد فرستاد (گفتگوی اینجانب با دکتر جعفر جعفری لنگرودی). و اجازه اجتهاد ایشان را که توسط آیات میرزا محمد آقا زاده خراسانی و میرزا مهدی اصفهانی یا حاج آقا حسین قمی، بود، نیز تایید و حاشیه زد. (ر.ک: فقیه آزادگان، کتاب احیاگر حوزه خراسان). اجازه اجتهاد و تدریس فقه و اصول و اجازه امور حسبه برای آقا شیخ مجتبی قزوینی در مشهد فرستاد که از شاگردان خود ایشان بود. (ر.ک: کتاب احیاگر حوزه خراسان صفحه ۸۲۹، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۶، ۸۳۷، کتاب آموزگار حکمت و حیانی، صفحه ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۷)

اجازات آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی به آیت‌الله شیخ مجتبی قزوینی:

صفحه ۸۳۷ کتاب احیاگر حوزه خراسان و آموزگار حکمت و حیانی صفحه ۲۷۸:

اجازه اجتهاد آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی به آقا شیخ مجتبی قزوینی:

و ممن جد فی طلب العلم و العمل به هو جناب العالم العامل و الفاضل الكامل عمده العلماء العظام ثقه الاسلام الشیخ مجتبی القزوینی دامت تائیداته فلقد بذل فی هذ السبیل برهه من عمره و اشتغل به شطرا من دهره معتکفا بجوار امیرالمومنین و ثامن الائمة الهادین صلی الله علیهما و الهما الطاهرین و مستمدا من الجهابذه الاساطین حتی بلغ رتبه الاجتهاد و مقرونه بالصلاح و السداد فلجنا به العمل بما استنبطه من الاحکام علی النهج المتداول بین المجتهدین الاعلام و لقد اجزت له ان یروی عنی ...

آموزگار حکمت و حیانی صفحه ۲۷۹:

اجازه تدریس فقه و اصول آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی به آیت‌الله شیخ مجتبی قزوینی

فان جناب العالم العامل و الفاضل الكامل صفوه الافاضل الازکیا و عماد العلماء الاتقیاء الشیخ مجتبی احمدی سینائی القزوینی دامت تائیداته ممن بذل جهده فی طلب العلم و العمل به برهه من عمره و اشتغل به شطرا من دهره حتی بلغ درجه سامیه من الفضل و الرشائ و المقرونه بین بالصلاح و السداد و لقد اجزت له فی تدریس السطوح الفقهیه و الاصولیه و ان یروی عنی ما اودعه اصحابنا الامامیه رضوان الله تعالی علیهم فی مصنفاتهم و ارجوه ان لاینسانی من صالح دعائه ان شالله تعالی و السلام علی و رحمه الله و برکاته الاحقر: ابوالحسن الموسوی الاصفهانی

کتاب آموزگار حکمت و حیانی صفحه ۲۸۷:

اجازه آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی به آیت‌الله حاج شیخ مجتبی قزوینی برای تصدی امور حسبه و اخذ حقوق شرعیه:

جناب مستطاب عمده العلماء الاعلام مروج الاحکام ثقه الاسلام آقای آقا شیخ مجتبی تقوی قزوینی دامت تائیداته مجاز و ماذونند از جانب احقر در تصدی امور حسبه و اخذ حقوق شرعیه از زکوه و مظالم و سهم مبارک امام علیه السلام و صرف آنها را در مصارف لازمه خود و مصارف مقرر شرعیه و اخوان دینی و برادران ایمانی ماذونند که حقوق خود را تسلیم ایشان نمایند و چنانچه منزلی برای ایشان خریده اند و از سهم مبارک امام علیه السلام محسوب دارند ماذون و مجازند و انشالله تعالی وجود ایشان در آن نواحی مغتنم می‌شمارند و السلام علی و علی اخواننا المومنین و رحمه الله و برکاته الاحقر: ابوالحسن الموسوی الاصفهانی

اخلاقیات و ویژگی‌های معنوی: مرحوم آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی، کریم النفس، سخی الطبع، حلیم، خوش اخلاق، بزرگوار و با گذشت بود. نسبت به عموم مردم بالاخص مومنین و خاصه طلاب و فضلا و علمای شیعه بسیار مهربان و رؤوف بود. سعه صدر داشت و دور اندیش و آینده نگر بود. اهل تدبیر و درایت بود. ریاست مطلقه اش بر عالم تشیع، به او غرور و عجب و تکبر نداد. فرزندانش را طوری تربیت کرده بود که مانند خود او، زاهد و با تقوی و با ورع بودند آنچنانکه فرزند طلبه اش در آن زمان، آیت‌الله سید علی، با آنکه آقا زاده بود و دارای شخصیت علمی و معنوی، با اینکه پدرش در اوج قدرت و زعامت و ریاست حوزه‌های علمیه شیعه را در دست داشت ولی او زاهدانه و با فقر زندگی

می‌کرد و مانند طلاب عادی رفتار می‌کرد و حتی اضافه شهریه خود را به پدر برمی‌گرداند تا در موارد لازم و ضروری تر مصرف نماید. آقا سید ابوالحسن اصفهانی، در جریان جنگ جهانی دوم و زمان زعامتش، به فقرا و آسیب دیدگان جنگ از مسیحیت و... نیز در حد توان کمک کرد و از باب اخلاق انسانی یا مولفه قلوبهم، به ایشان کمک کرد و دل آنها را به اسلام و مسلمین متمایل کرد آنچنانکه باعث عزت اسلام و مسلمین شد و پس از رحلت سید ابوالحسن اصفهانی، برخی از غیر مسلمانها نیز از رحلت و فقدانش متأثر شدند و برایش محزون و غمگین شدند و مجلس تعزیه و یاد بود برای او گرفتند بالاخص در ایران؛ چه برسد به آنکه از مرگ آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، همه بلاد شیعه نشین، محزون و متأثر گردیدند. سید، به همه جهان تشیع نظر داشت و در حد توان به همه آنها کمک مذهبی و مالی می‌نمود. سید به مکارم اخلاق، مزین بود. برای عزت اسلام و مسلمین و بالاخص مذهب تشیع، زحمات زیادی کشید و ناملايمات و هتک حرمتها و زخم زبانها و تهمت‌ها شنید. با آنکه هیات استفتا داشت ولی خودش پاسخ استفتاها را می‌نوشت. سعی می‌کرد حتی نامه‌هایی که به او نوشته می‌شود، خودش بخواند و در پاسخ می‌فرمود: در برخی از این نامه‌ها، من را تحقیر کرده و توهین می‌نمایند و فحاشی می‌کنند. نمی‌خواهم بعد از من، صاحبان نامه شناسایی شوند و این چنین نامه‌ها را هر چند وقت یکبار جمع می‌کرد و در شط کوفه یا ... می‌انداخت. فرزند جوان و فاضلش "سید حسن" را در حال نماز جماعت او، ناجوانمردانه و ظالمانه شخصی به قتل رساند و دل او را آتش زد، اما سید صبر کرد و حتی از قاتلش گذشت. "چو اسیر توست اکنون به اسیر کن، مدارا." سید ابوالحسن، فرزند امیرالمومنین ابوالحسن علی علیه السلام بود و اخلاقش نیز مانند ابوالحسن بود. ایشان ارادت زیادی با امیرالمومنین علی علیه السلام داشت. هنگامی که به زیارت ایشان می‌رفت، زیارت جامعه کبیره می‌خواند و گریه می‌کرد. برای آنکه متوجه گریه‌هایش نشوند، سرش را به طرف پایین می‌گرفت وقتی زیارت تمام می‌شد، می‌دیدند جلو لباسش خیس شده است. او زینت اهلیت علیهم السلام بود. اخلاق و گفتار و رفتارش شبیه اهلیت بود زیرا سعی می‌کرد از آنها تبعیت نماید. در زهد و تقوا و ورع و معنویت، نمونه بود. سالها در حرم مطهر امیرالمومنین علی علیه السلام، اقامه جماعت می‌کرد. درس خارجش را نیز در همانجا تدریس می‌کرد. سید مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله اشدای علی الکفار بود و رحمائ بینهم. برای طلاب و حوزه‌های علمیه پدری مهربان و صمیمی و رؤوف بود. نسبت به دشمنان اسلام و مسلمین، شدید بود و سختگیر. غیرت دینی داشت. با حکومت ضد مذهبی رضا خان به شدت مخالف بود و برای جلوگیری از ظلم و ستم و بی دینی او تلاش کرد و حتی برای ساقط کردن حکومت او تلاش کرد و علما را در پنهانی بر علیه او به قیام دعوت می‌کرد. او با آیت‌الله بروجردی، میرزای ناپینی و... در جلسه خصوصی در این باره صحبت کرد هر چند آیت‌الله بروجردی با قیام او بر علیه حکومت رضا خان در آن جلسه موافق نبود و به صلاح نمی‌دانست ولی بعد پشیمان شد. آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، خطیب زبردست شیخ محمد تقی بهلول را که برای تحصیل به نجف آمده بود و قصد تحصیل تا اجتهاد را داشت، امر کرد به منبر بپردازد و بر علیه حکومت رضا خان قیام کند و امر به معروف و نهی از منکر کند و مظلوم و بی دینی او را افشا کند. او نیز به امر سید، به افشاگری بر علیه حکومت رضاخان پرداخت که در جریان قیام گوهرشاد در مشهد نقش بسیار زیادی داشت. در جریان قیام گوهرشاد، علمایی که از طرف حکومت رضا خان، وجهه اجتماعی آنها آسیب دیده بودند؛ را حمایت مادی و معنوی نمود. وعاظ و خطبای بزرگی که مانند شیخ مهدی واعظ خراسانی تحت تعقیب بودند یا خانه نشین به نجف دعوت نمود و پشتیبانی مالی و معنوی نمود و تحت حمایت خاص خویش قرار داد و از منبر ایشان در نجف استفاده نمود. حاج آقا حسین قمی که در جریان قیام گوهرشاد توسط حکومت رضا خان بازداشت و تحقیر و تبعید به عراق شده بود را حمایت نمود؛ به محض ورود ایشان به عراق و کربلا، دامادش آیت‌الله میر سجادی بادکوبه‌ای را فرستاد و از طرف سید به او خوش آمد گفت و پیام سید را رساند که سید فرموده از طرف ایشان دست شما را بیوسم. همچنین پس از اقامت حاج آقا حسین قمی، در کربلا و آغاز تدریس خارج، برای تقویت ایشان و حوزه علمیه کربلا، به عنوان حاکم شرع، حکم نمود که آیات عظام خوبی، میلانی و... به کربلا رفته و در خدمت حاج آقا حسین قمی باشند و ایشان را در تقویت حوزه علمیه کربلا، کمک نمایند. آقا سید ابوالحسن اصفهانی، برای تقویت حاج آقا حسین بروجردی در زمان اقامت ایشان در بروجرد، به نقلی احتیاطات و خوبی خود را به ایشان ارجاع می‌داد. آقا سید ابوالحسن اصفهانی، برای حفظ و تقویت حوزه علمیه نجف، بسیار تلاش نمود و ناملايمات را تحمل نمود. او در زمان تحصیل، در فقر به سر می‌برد و اجاره نشین بود. گاهی اوقات، بخاطر نداشتن پرداخت اجاره بها، صاحب خانه او را تهدید به بیرون انداختن از خانه می‌کرد و گه گاهی نیز با اعلام عدم رضایت صاحب خانه، ۱۵ روز در خرابه‌ها زندگی کرد تا بعد خانه جدیدی برای اجاره پیدا کند. ایشان حتی پس از مرجعیت، تا مدتی اجاره نشین بود و بعد

صاحب خانه ملکی شد. او پس از رسیدن به مرجعیت، حتی المقذور چون پدری مهربان به وضعیت معیشتی طلاب می‌رسید. برای آنها شهریه پرداخت می‌کرد. اجاره خانه‌های ایشان را پرداخت می‌کرد. نان به آنها می‌داد و پس از جنگ جهانی دوم، دارو و دکتر رایگان در اختیار آنها می‌گذاشت. آری این چنین شخصیت خلیق، مودب، متواضع، با تقوا، زاهد، مدیر و مدبر، عالم عامل و فقیه ربانی، چقدر وجودش برای امام زمان علیه السلام و شیعیان ایشان با برکت و مفید بود پس شایسته بود که مورد الطاف خاص حضرتش قرار بگیرد که اینگونه نیز بود. وی مکرر مشرف به محضر حضرت بقیه الله (عج) شده بود و با حضرتش در ارتباط بود. امام زمان علیه السلام او را در ایام زعامت حوزه علمیه نجف و مرجعیت بزرگ شیعیان جهان و مشکلات نصرت و یاری می‌نمودند. توسط شیخ محمد شوشتری که پس از اقامت در کوفه به شیخ محمد کوفی معروف شد و شخص ثقه، صالح و مومنی بود، به سید پیام دادند که: "ارخص نفسک واجلس فی دهلیز بیتک و افض حوائج الناس نحن نضرک". خودت را ارزان کن و در دسترس مردم باش (در دهلیز خانه ات بنشین که در دسترس مردم باشی) و حوائج و نیازهای مردم را برآورده کن، ما شما را نصرت و یاری می‌نماییم. سید به شیخ محمد کوفی گفت: پیامت را دوباره بگو و او گفت و سید نوشت و مکتوب کرد. هنگامی که غم و غصه‌ها او را فرا می‌گرفت، آن نوشته را می‌خواند و روحیه می‌گرفت و به کسانی که گاه و بیگاه در مدیریت او، اشکال می‌کردند، آن پیام و نوشته را نشان می‌داد. (متن این پیام، منتشر شده و در میان خاندان مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی معروف است و این پیام تکثیر شده و حد اقل هر یک نسخه‌ای از آن را در اختیار دارند. من متن این پیام را در منزل مرحوم آیت‌الله سید عبدالحمید اصفهانی (نوه مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی) در مشهد دیده بودم که از آن به علاقه مندان نیز اهدا می‌شد و یک نسخه نیز من دریافت نمودم. نوه ایشان حجت‌الاسلام والمسلمین سید جعفر اصفهانی در کتاب حیات جاودانی مفصل داستان پیام را از طرق مختلف با جزئیات آن نوشته است)

آیت‌الله میرزا حسین فقیه سبزواری از شاگردان برجسته ایشان که بعدها خود از مراجع تقلید شد درباره مرجعیت آقا سید ابوالحسن اصفهانی فرموده بود: ایشان، تاکنون یک قدم برای مرجعیت برنداشته است، هر چه شده عنایات الهی بوده است به ایشان. آری او فقیهی بود که مخالف هوی و هوس بود، مطیع امر مولایش بود، دیندار بود و با تقوا و شایسته مرجعیت شیعه و سزوار و شایسته که شیعیان از او تقلید کنند و سکان مرجعیت بزرگ جهان تشیع را بر دوش او بگذارند.

مرجعیت جهانی شیعیان: پس از رحلت آخوند خراسانی، عده‌ای از مردم خراسان، به ایشان مراجعه کردند و از ایشان خواستند که مرجعیت را قبول کند

روز به روز دامنه مرجعیت ایشان گسترش می‌یافت. در زمان اوج مرجعیت آیت‌الله میرزا محمد تقی شیرازی که یک سال طول کشید، عملاً ایشان را به عنوان مرجعیت پس از خود را معرفی می‌کرد زیرا احتیاطات و جوبی را به ایشان ارجاع می‌داد.

در سال ۱۲۵۵ هـ ق معادل ۱۳۱۵ هـ ش با فوت میرزای نایینی و آقا شیخ عبدالکریم حائری یزدی، تقریباً مرجعیت یک پارچه و جهانی آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آغاز گردید که تا زمان فوت ایشان به مدت ۱۰ سال ادامه یافت. مدیریت، درایت و تدبیر، هوش، استعداد و حافظه، سعه صدر و... در زمان مرجعیت ایشان بروز و ظهور یافت. برخی مدعی هستند که مرجعی با این عظمت سراغ نداریم. در زمان مرجعیت عظمای ایشان، به امور مذهبی و مالی شیعیان حتی المقذور رسیدگی می‌شد.

هیئت استفتاء آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی: آیت‌الله شیخ موسی خوانساری، آیت‌الله شیخ محمدرضا طبسی نجفی و ... از شاگردان برجسته و از اصحاب استفتاء ایشان در زمان مرجعیت بوده اند.

ورود به مباحث اجتماعی سیاسی: در سال ۱۳۲۴ هـ ق انقلاب مشروطیت در ایران رخ داد. آخوند خراسانی از رهبران بزرگ مشروطیت بود و از آن حمایت می‌کرد. ایشان برای آنکه در مجلس مشروطیت، چند مجتهد و فقیه عادل بر قوانین نظارت کنند که خلاف تعالیم اسلام، قانونی تصویب نشود، در سال ۱۳۲۸ هـ ق، چند مجتهد عادل جامع شرایط را به مجلس مشروطه معرفی کرد که یکی از آنها، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی بود. ولی چه مانع و معذوریت برای آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی پیش آمد که از رفتن به مجلس مشروطه خودداری کرد و عذر خواهی کرد. پس از رحلت آخوند خراسانی، به تدریس خارج خود در حوزه نجف اشتغال ورزید. در حدود سال ۱۳۴۰ هـ ق انگلیسیها در عراق نفوذ کرده

و حکام دست نشانده خود را برعراق تحمیل کردند. آیت‌الله خالصی مخالفت کرد. آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله میرزا حسین نایینی نیز با آیت‌الله خالصی موافقت خود را اعلام نموده به حالت قهر از عراق خارج شدند و به ایران آمدند. در سال ۱۳۴۱ ه‍.ق به قم رفته و حدود یک سال اقامت و در آنجا به تدریس مشغول شدند. آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی از ایشان استقبال کرد و درس خود را به ایشان واگذار کرد. میرزا مهدی خراسانی آقازاده آخوند خراسانی واسطه شد و آقایان اصفهانی و نایینی به عراق بازگشتند و تدریس خود را در نجف ادامه دادند. در جریان حکومت رضا خان و مفاسد دینی وی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، ساکت ننشست. ایشان به شدت با کارهای خلاف شرع و ظالمانه رضا خان مخالف بود و حتی الامکان در خفا در جهت اسقاط حکومت وی تلاش می‌نمود و علمای بزرگی مانند حاج آقا حسین بروجروی و میرزای نایینی را نیز در این جهت تشویق می‌نمود. آیت‌الله بروجروی هر چند ابتدا با تصمیم ایشان موافق نبود ولی بعد پشیمان شد و به درستی نظر ایشان پی برد و اقداماتی انجام داد. در جریان مخالفتهای آیت‌الله حاج آقا حسین قمی با کارهای خلاف شرع رضا خان که به منجر به قیام گوهر شاد و شهادت عده‌ای از مومنین شد، حاج آقا حسین قمی به عراق تبعید شد. ایشان در کربلا اقامت نمود و درس خارج شروع کرد و قصد داشت حوزه علمیه کربلا را تقویت نماید. آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی به محض اطلاع از ورود ایشان به کربلا، داماد خود مرحوم آیت‌الله میر سجادی بادکوبه‌ای را به خدمت ایشان فرستاد. داماد ایشان خطاب به حاج آقا حسین قمی گفت: از طرف آقا سید ابوالحسن اصفهانی آمده ام خدمت شما خوش آمد بگویم و فرمودند: از طرف من دست ایشان را ببوس. به نقلی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، حکم کرد که آیات عظام خویی و میلانی برای تقویت حاج آقا حسین قمی به کربلا رفته و در خدمت ایشان باشند و در تقویت حوزه علمیه کربلا با ایشان همراهی و همکاری نمایند که این دو بزرگوار نیز اطاعت کردند. در جریان قیام گوهرشاد، برخی وعاظ و خطبا نیز آسیب دادند و منزوی شدند که آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی از آنها حمایت نمود. شیخ محمد تقی بهلول از وعاظی بود که با دستور آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، بر علیه حکومت رضا خان قیام می‌کرد و با کارهای خلاف شرع وی مبارزه می‌نمود که نقش مهمی در قیام گوهر شاد داشته است. رضا خان قصد تضعیف حوزه‌های علمیه و نهاد روحانیت را داشت و دستور داده بود آنها لباس روحانیت را در بیاورند و مانند سایر مردم لباس بپوشند مگر کسانی که مجتهد هستند و از سوی مراجع تقلید، اجازه اجتهاد آنها تایید شده باشد و یا اجازه تدریس فقه و اصول از مراجع تقلید داشته باشند. در این زمان آقا سید ابوالحسن اصفهانی؛ به کسانی که اجتهاد آنها از سوی ایشان محرز بود، اجازه اجتهاد می‌داد و کسانی که صلاحیت تدریس فقه و اصول را داشتند، نیز به آنها اجازه تدریس فقه و اصول می‌داد. در این بین ممکن است در مواردی به کسانی که قریب الاجتهاد نیز بوده اند اجازه اجتهاد داده باشد تا جلوی فتنه شوم رضا خان را بگیرد. با این تدبیر آقا سید ابوالحسن اصفهانی، نقشه شوم رضا خان در تضعیف روحانیت و حوزه‌های علمیه تا حدود زیادی خنثی می‌شد. مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی، از قیام علمای اصفهان در حدود سال ۱۳۴۷ ه‍.ق نیز حمایت نمود. در جریان جنگ جهانی دوم نیز کشورهای استعماری قصد تخریب وجهه مرجعیت شیعه آقا سید ابوالحسن اصفهانی را داشتند و به زعم خود در ظاهر با دادن پول زیاد نذر خود را ادا کنند ولی در باطن با رشوه او را به سمت خود بکشاند و او را متمایل به خود نشان دهند که این سید زرنگ و با هوش و دور اندیش و سیاستمدار متوجه مقصود شوم آنها شد و با تدبیری زیبا نقشه‌های آنها را خنثی کرد و باعث عزت اسلام و مسلمین شد (ر.ک: به کتاب گنجینه دانشمندان تالیف شیخ محمد شریف رازی جلد اول صفحه ۲۱۶ تا ۲۲۳ و کتاب عنصر فضیلت و تقوا، حاج آقا حسین قمی تالیف عباس حاحیانی دشتی و کتاب سراج المعانی تالیف سید ناصر میبیدی و کتاب حیات جاودانی تالیف سید جعفر موسوی اصفهانی و...)

آثار و تالیفات:

۱. شرح کفایه الاصول
۲. مناسک حج
۳. منتخب الرسائل
۴. حاشیه بر تبصره علامه
۵. حاشیه بر نجاه العباد صاحب جواهر

۶. حاشیه عروه الوثقی

۷. وسیله النجاه:

یک دوره کتاب فقه است در دو جلد که شاگرد ایشان سید ابوالقاسم صفوی اصفهانی آن را ترجمه کرده و به نام صراط النجاه نامیده و به نظر ایشان رسانیده و منتشر کرده است.

۸. وسیله النجاه صغری رساله عملیه مختصر.

۹. انیس المقلدین: که شاگرد ایشان سید ابوالقاسم صفوی اصفهانی آن را جمع آوری و تدوین کرده است. ۱۰. حاشیه بر نجات العباد

۱۱. رساله ذخیره العباد

۱۲. ذخیره الصالحین:

همه این کتابها چند مرتبه چاپ شده است مثلا رساله ذخیره العباد ایشان ۷۱ مرتبه به چاپ رسیده است.

در کتاب سراج المعانی صفحه ۲۲۰ تا ۲۳۱ نام ۳۰ نفر از کسانی که بر کتاب فقهی وسیله النجاه آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی تعلیفه و حاشیه نوشتند بیان نموده است. از جمله امام خمینی که کتاب تحریر الوسیله را نوشتند و معروف و مشهور گردیده است. اینجانب ۶ سال درس خارج فقه بحث حج را نزد سیدنا الاستاد آیت‌الله سید حسن مرتضوی شاهرودی دامت برکاته در حوزه علمیه مشهد فرا گرفتم که متن آن همین تحریرالوسیله امام خمینی بود و استاد نظرات موافق یا مخالف آن را بر اساس همین متن بیان می‌نمودند.

وفات: آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی در روز ۹ ذی الحجه (عرفه) در کاظمین درگذشت. حکومت ایران به محض اطلاع، سه روز عزای عمومی اعلام نمود. رادیو، صدای موسیقی را قطع کرد و به جای آن قرآن پخش کرد. مردم بازارها را بستند و به عزاداری و ماتم و حزن پرداختند. مقلدان و ارادتمندان آقا سید ابوالحسن اصفهانی و علاقه مندان به روحانیت، شور و هیجان عجیبی در فقدان بزرگوار پیدا نموده بودند. جمعیت زیادی پیکر این فقیه بزرگوار را از کاظمین به طرف نجف تشییع کردند. بالاخره پس از چند روز، پیکر ایشان به نجف منتقل گردیده و در صحن مطهر امیرالمومنین علیه السلام در جوار استادش آخوند خراسانی و فرزند شهیدش سید حسن به خاک سپرده شد. مجالس تعزیه ایشان در بلاد شیعه نشین منعقد شد از جمله ایران و بالاخص مشهد. مراسم با شکوهی در مسجد گوهر شاد برگزار شد و خطبایی مانند حاج شیخ محمود حلبی و ... منبر می‌رفتند.

ازدواج و فرزندان و نوه‌ها: مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی در سن جوانی در نجف ازدواج کرد و صاحب ۹ فرزند شد که در این میان ۴ فرزند پسر و ۵ فرزند دختر گردیدند فرزندان پسری ایشان به ترتیب سن عبارتند از: سید حسن، سید محمد، سید علی و سید حسین که همه طلبه گردیدند.

معرفی فرزندان سید:

شهید سید حسن: ایشان پسر ارشد آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی بود که از فضیلتی حوزه علمیه نجف و خوش استعداد و جدی در درس و بحث بود و بازوی راست پدر در مرجعیت بود. استعداد و جدیت ایشان در تحصیل علم و معنویت در حدی بوده است که به تعبیر برادر کوچکترش حجت‌الاسلام سید حسین اگر تا زمان فوت پدر، زنده بود قطعاً به مرجعیت می‌رسید و با وجود ایشان، نوبت به دیگری نمی‌رسید. نویسنده کتاب گنجینه دانشمندان در جلد اول به مناسبت ورود آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، نیز چنین مضمونی را تایید می‌نماید. از وی تالیفاتی علمی و فرزندی نیز به یادگار مانده است

حجت‌الاسلام سید محمد: ایشان تا پایان شرح لمعه و قوانین درس خوانده است. ابتدا داماد میرزای نایینی شد ولی پس از مدتی منجر به جدایی گردید. سپس با خانواده دیگری ازدواج نمود و صاحب فرزندی شد.

آیت‌الله سید علی اصفهانی: آیت‌الله سید علی موسوی اصفهانی، ملاترین فرزند آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی است. ایشان پس از تکمیل ادبیات عرب و سطوح، سالها در درس خارج میرزای نایینی، آقا ضیا عراقی و پدر بزرگوارش شرکت کرد تا به درجه اجتهاد رسید و از پدر، آقا ضیا عراقی به اخذ اجازه اجتهاد نائل آمد. وی در زمان حیات پدر و زعامتش در کربلا اقامت نمود. چند سال پس از رحلت پدر، به مشهد آمد و در این شهر مقیم شد. ایشان سالهای زیادی امام جماعت حرم مطهر امام رضا علیه السلام بود. از ایشان تالیفاتی به یادگار مانده است از جمله کتابی کشکول مانند به نام "زبده الاحادیث" که ظاهراً بیش از ۲۰ جلد است. حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی فلسفی از علمای مقیم مشهد، مدتی زبده الاحادیث را در اختیار داشت و از آن در نوشتن تالیفات خویش، استفاده می‌کرد. دو نفر از آقا زاده‌های آیت‌الله سید علی اصفهانی داماد حجت‌الاسلام حاج شیخ علی فلسفی بودند که یکی از آنها پارسال به رحمت خدا رفت. استاد فلسفی فرمودند: پس از فوت آن مرحوم، در اختیار فرزندان ایشان قرار گرفت و پس از آن نمی‌دانم چه شد. اما ظاهراً اینک آن کتاب، در اختیار دوست عزیز حجت‌الاسلام شیخ روح الله عربشاهی قرار دارد. آیت‌الله سید علی اصفهانی ازدواجهای متعدد نمود و به لطف الهی فرزندان زیادی دارد. این عالم جلیل‌القدر در دهه اول محرم، در منزل خویش مجلس روضه می‌گرفت. همچنین روزهای ۵ شنبه جلسه روضه هفتگی داشت. در میان فرزندان ایشان، دو نفر طلبه شدند. یکی حجت‌الاسلام والمسلمین سید جعفر اصفهانی دامت برکاته است که از اساتید سطوح عالیّه حوزه علمیه مشهد و نویسنده کتاب حیات جاودانی است که در شرح حال جد خویش آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی نوشته است. شخصی متواضع، خوش اخلاق، مودب و خوش طبع است و در جلسه خاص روضه هفتگی خاندان آقا سید ابوالحسن اصفهانی در مشهد سخنرانی می‌کند. بارها با ایشان ملاقات کرده و یک نسخه از کتاب حیات جاودانی خویش را به من اهدا نمودند. فرزند دیگر آیت‌الله سید علی اصفهانی، مرحوم آیت‌الله سید عبدالحمید اصفهانی بود که بزرگتر از حاج سید جعفر اصفهانی بود که ایشان را نیز سالها درک کرده و در مجالس ایشان شرکت می‌نمودم. آیت‌الله سید عبدالحمید اصفهانی، تحصیل کرده حوزه علمیه نجف و از شاگردان فاضل آیت‌الله خویی بود. در نجف، به تدریس سطوح فقه و اصول اشتغال داشت. سال ۱۳۵۰ هـ ش ابتدا به تهران آمد و چند ماه اقامت نمود سپس به قصد اقامت دائمی قم آمد و مدت ۶ ماه در آنجا اقامت نمود. پدر ایشان آیت‌الله سید علی اصفهانی در مشهد در تاریخ ۳ آبان ۱۳۵۱ هـ ش در گذشت. با شنیدن خبر فوت پدر، به مشهد آمد و پس از تجهیز پدر، بر پیکر ایشان نماز خواند و پیکر پدر را در رواق دارالسلام حرم مطهر به خاک سپرد. با اصرار مردم مشهد برای اقامت در مشهد و اقامه جماعت بجای پدر در مشهد اقامت نمود و تا پایان عمر نیز در اینجا سکونت نمود. از آن پس بجای پدر در حرم مطهر رضوی، اقامه جماعت می‌کرد که حدود ۱۰ سال تا سال ۱۳۶۰ هـ ش ادامه داشت. پس از آن بخاطر پادرد و کمردرد، اقامه جماعت در حرم مطهر رضوی را ترک نمود و در منزل خویش اقامه جماعت می‌کرد. این عالم جلیل‌القدر، علاوه بر اقامه جماعت در مشهد، به تدریس سطوح فقه و اصول نیز اشتغال ورزید. شبهای شنبه جلسه تفسیری خاص خاندان خویش داشت که برخی از مومنین نیز شرکت می‌کردند. روضه‌های دهه اول محرم و روضه هفتگی جلسه روز پنجشنبه پدر را نیز تا پایان عمر در منزل خویش واقع در خیابان خسروی نو، کوچه شوکت الدوله منعقد می‌نمود که سالها در آن مجالس شرکت می‌کردم. جلسه تفسیر شب شنبه ایشان نیز چند جلسه شرکت کردم که بسیار قابل استفاده بود. ایشان بسیار خوش اخلاق، مودب، خوش طبع و خوش گنده بود. در چند سال آخر، نماز اول وقتش را به جماعت در منزل اقامه می‌نمود. سخاوتمند بود و اخلاق اجتماعی داشت و از مراجع تقلید وکالت داشت. خانواده‌های فقیر زیادی را تحت پوشش خویش داشت و به آنها رسیدگی می‌کرد. ایشان در تاریخ ۲۳ شهریور ۱۳۸۱ هـ ش در مشهد در گذشت و در صحن جمهوری اسلامی حرم مطهر امام رضا علیه السلام به خاک سپرده شد. دوست عزیزم حجت‌الاسلام جناب آقا شیخ روح الله عربشاهی که از شاگردان و مانوسین ایشان بود، پس از چند سال تصمیم گرفت که به مناسبت سالگرد رحلت ایشان مقاله‌ای بنویسد، بنده نیز استقبال نموده، آمادگی خود را برای همکاری با ایشان اعلام نموده و پیشنهادهای و مطالبی ارائه نمودم. سرانجام مقاله ایشان در روزنامه جمهوری اسلامی در روز ۵ شنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۴ هـ ش تحت عنوان (مروری بر زندگی نامه آیت‌الله سید عبد الحمید اصفهانی به مناسبت ایام سالگرد رحلت) منتشر شد. در آن مقاله، جناب عربشاهی زندگی نامه علمی پدر و جد بزرگوارش آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی را نیز اجمالاً توضیح داده است، علاقه

مندان به تفصیل مطلب، به این مقاله، مراجعه نمایند. در میان خاندان آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی در مشهد، ماهی دو جلسه برگزار می‌گردد که به اتفاق دوست عزیز جناب عربشاهی، گه گاهی در این مجلس شرکت می‌نماییم، سخنران آن نیز کسی نیست جز حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید جعفر موسوی اصفهانی نویسنده کتاب حیات جاودانی

حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسین اصفهانی: ایشان دوران کودکی و نوجوانی را در نجف نزد پدر بزرگوار خویش سپری نمود و خاطراتی دارد که برخی از آنها را برادر زاده اش در کتاب حیات جاودانی نقل نموده است. ایشان پس از رحلت پدر، به تهران آمد و در این شهر اقامت نمود و ظاهراً در همین شهر نیز در گذشت.

دامادهای آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی: آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، ۹ فرزند داشت که اجمالاً زندگی نامه ۴ فرزند پسر و نوه‌های ایشان را توضیح دادم. این فقیه بزرگوار، ۵ فرزند دختر به نامهای فاطمه، زهرا، بتول، مریم و ربابه نیز داشت که همگی ازدواج کردند. دو داماد ایشان به نامهای حاج سید عبدالخالق زاده موسوی زاده اصفهانی و حاج سید حسین علوی شوشتری، عالم نبودند و ۳ داماد ایشان از علما هستند که عبارتند از آقایان: آیت‌الله حاج سید میر میرسجادی بادکوبه‌ای، آیت‌الله سید حسین بروجنی اصفهانی و حجت‌الاسلام والمسلمین سید جواد اشکوری. آیت‌الله سید میر سجادی بادکوبه‌ای از شاگردان آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و از مدرسین مکاسب و کفایه بود دو آقا زاده روحانی دارد که هر دو مجتهد و از علمای تهران هستند. یکی آیت‌الله حاج سید جواد میرسجادی که از شاگردان درس خارج مکاسب آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی بود و از آیات عظام میرزا حسن بجنوردی و سید جمال الدین گلپایگانی اجازه اجتهاد دارد. ایشان در حال حاضر از علمای تهران است. آقا زاده دیگر ایشان آیت‌الله سید محمد حسین میرسجادی بادکوبه‌ای است که ایشان نیز از آیات عظام سید محمود شاهرودی و میرزا باقر زنجانی دارای اجازه اجتهاد بوده است. ایشان نیز از علمای مقیم تهران بود و در حدود ۵ سال پیش فوت نمود. از آیت‌الله سید حسین اصفهانی نیز آقا زاده ی عالم و جلیل القدر به یادگار مانده است به نام آیت‌الله سید محمد بروجنی که در شهرستان بروجن اقامت دارد و به فعالیت‌های دینی اشتغال داشته است.

تذکر: تمام فرزندان و دختران آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی فوت کرده اند. دامادهای مکرم ایشان به رحمت خدا رفته اند. از نوه‌های عالم ایشان نیز حضرات آیات سید عبدالحمید اصفهانی، سید محمد حسین میرسجادی نیز فوت نموده اند.

کسانی که علاقه مند هستند تفصیل و جزئیات بیشتری از فرزندان، نوه‌ها و دامادهای مکرم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی مطلع گردند به منابع ذیل مراجعه نمایند که خلاصه‌ای از آن را در این بخش ارائه نمودم (ر. ک: سراج المعانی: صفحه ۳۴۲ تا ۳۴۵، حیات جاودانی: صفحه ۳۳۸ تا ۳۷۳، مقاله مروری بر زندگی نامه آیت‌الله سید عبدالحمید موسوی اصفهانی به قلم روح الله عربشاهی)

منابع مقاله:

گفتگو و خاطرات من با خاندان آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی بالاخص آیت‌الله سید عبدالحمید اصفهانی و حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید جعفر موسوی اصفهانی

گفتگو با استاد محمد واعظ زاده خراسانی، حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی فلسفی، استاد شیخ محمد سمایی، دکتر جعفر جعفری لنگرودی، دکتر احمد مهدوی دامغانی و...

حیات جاودانی تالیف: سید جعفر موسوی اصفهانی

سراج المعانی در احوالات امام سید ابوالحسن اصفهانی تالیف: سید ناصر حسینی میبیدی

دانشمندان و بزرگان اصفهان تالیف: سید مصلح الدین مهدوی جلد اول، چاپ اول صفحه ۹۱ تا ۹۵

اعلام اصفهان تالیف: سید مصلح الدین مهدوی جلد اول صفحه ۲۶۲ و ۲۶۳

اجازات آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی تالیف: مهدی باقری سیانی

گنجینه دانشمندان تالیف: حاج شیخ محمد شریف رازی

جلد اول، صفحه ۲۱۶ تا ۲۲۳

جلد دوم صفحه ۱۹۳ تا ۱۹۸

جلد سوم، صفحه ۸۱ تا ۸۴

وفیات العلما یا دانشمندان اسلامی تالیف: حسین جلالی شاهرودی، صفحه ۲۳۹ تا ۲۴۲

عنصر فضیلت و تقوی تالیف: عباس حاجیانی دشتی

آیت الحق تالیف: سید محمدحسن قاضی

مقاله مروری بر زندگی نامه آیت‌الله سید عبدالحمید موسوی اصفهانی به مناسبت سالگرد رحلت ایشان در روزنامه جمهوری اسلامی به تاریخ ۵شنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۴ هـ ش به قلم روح الله عربشاهی

اعیان الشیعه تالیف علامه سید محسن امین، جلد دوم

احیاگر حوزه خراسان تالیف: حسن طالبیان شریف، روح الله عربشاهی، محمد عربشاهی، حسین مفید

۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۴۵، ۲۶۳، ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۸، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۶، ۴۱۷،

آموزگار حکمت و حیانی نگاهی به زندگی حضرت آیت‌الله شیخ مجتبی قزوینی تالیف: روح الله عربشاهی، حسن طالبیان شریف

راجع به سخنرانی آیت‌الله وحید خراسانی در محضر آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و توصیه ایشان به درس خواندن: رک: اینترنت، خبرگزاری بین المللی قرآن: در تاریخ ۱۷ آذر ۱۳۹۷ هـ ش: آیت‌الله وحید به مرجعیت و حوزه مستقل، معتقد هستند

تاریخ حکما و عرفای متاخر تالیف منوچهر صدوقی سها